

گشاده‌دست باش نه ولخرج

بیشتر افراد قدم زدن در مراکز خرید و تهیه اجناسی که باب طبعشان است، یا تجمل و تفریح و داشتن سریع هر آنچه را می‌خواهند، دوست دارند.



بیشتر افراد قدم زدن در مراکز خرید و تهیه اجناسی که باب طبعشان است، یا تجمل و تفریح و داشتن سریع هر آنچه را می‌خواهند، دوست دارند.

دوست دارند صاحب ثروت باد آورده‌ای باشند که تمام نشود و بنشینند، پا روی پا بیندازند و فقط خرج کنند. این تصور ذهنی بسیاری افراد از یک زندگی ایده‌آل است که چون نمود عینی آن را در واقعیت نمی‌بینند، ناچار دست به ایفای نقش می‌زنند و همان درآمد معمول ماهانه را نیز با گشاده‌دستی‌های بی‌مورد از دست می‌دهند. می‌گویند بادآورده را باد خواهد برد، در مورد این افراد اما درآمدی که بر باد می‌رود، حاصل ساعت‌ها کار خود شخص یا سرپرست خانواده است که نظارتی بر نحوه خرج کردن آن وجود ندارد.

واقعیت این است که برخی افراد از هنر مدیریت درآمد و فرهنگ پس‌انداز برخوردار نیستند. این افراد که در اصطلاح به آنها ولخرج می‌گویند، به از دست دادن پولی که برای آن زحمت کشیده شده فکر نمی‌کنند و حتی در مقابل اجناس غیرضروری با قیمت‌های بالا نیز نمی‌توانند چندان مقاومتی از خود نشان دهند. ولخرج‌ها حتی در بهترین شرایط و با داشتن درآمد قابل قبول نیز اغلب انسان‌هایی مقروض هستند که نمی‌توانند پس‌اندازی برای خود داشته باشند. چنانچه در وصف آنها بسیاری از این اصطلاح استفاده می‌کنند که طرف پول نگهدار نیست! آنها افرادی هستند که در جمع‌های دوستانه معمولاً پرداخت هزینه‌ها را به عهده می‌گیرند و اجازه نمی‌دهند کسی دست به جیب خود ببرد و صدا بدهد که افراد خسیس نیز از این خصیصه افراد ولخرج استقبال می‌کنند تا با کمترین خرج، بیشترین استفاده را از هر چیز برده باشند. شیوه‌های درست مصرف کردن، در نظام تربیتی این افراد اغلب جایی ندارد.

والدینی که در تمام مراحل زندگی به سراپای تمام خواسته‌های معقول و غیرمعقول فرزندان‌شان جامعه عمل پوشانده‌اند یا خود از چنین شیوه مصرفی پیروی می‌کنند، فرزندان‌ی به جامعه تقدیم می‌کنند که ارزشی برای پول قائل نیستند و همواره درآمدی را که مشکل به دست آورده‌اند، آسان از دست می‌دهند و بسختی پا به عرصه پیشرفت می‌گذارند.

دوستی می‌گفت در دوران کودکی، کافی بوده پا به زمین بکوبد تا والدین سر تسلیم در برابر خواسته‌هایش فرود آورند. این خانم امروز که خود اختیار زندگی را در دست دارد نیز بسختی می‌تواند از خواسته‌هایش چشم‌پوشد و کافی است یک ساعت در مکانی مثل یک مرکز خرید یا نمایشگاه قرار بگیرد یا اجناسی در دست افرادی ببیند که نظرش را جلب کنند و هوس کند مانند آن اجناس را داشته باشد. این خصیصه نادرست در زندگی خانوادگی نیز او را دچار مشکل کرده است. همسر این خانم از این‌که به دلیل بالا بودن مخارج ماهانه وی هرگز نمی‌تواند پس‌اندازی داشته باشد، ناراضی است و اغلب گله می‌کند که از خواسته‌های پایان‌ناپذیر او خسته شده است. به طور حتم، خرید زیباترین و گران‌قیمت‌ترین وسایل نیز تاثیری بر آرامش از دست رفته این زندگی نخواهد داشت و این شیوه زندگی به بازنگری احتیاج دارد.

میل مفرط به مصرف، میل اندک به پس‌انداز

قمر فلاح، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با #171جام‌جم می‌گوید که میل به مصرف در افرادی با الگوی نادرست مصرفی همواره بالا بوده و هست.

به عقیده فلاح، میل به مصرف و به عبارتی مصرف‌گرایی این روزها در جامعه افراد را به حال خود نمی‌گذارد. تولید انبوه، احتیاج به تقاضا دارد و تولیدکنندگان با تبلیغات خود به مردم القا می‌کنند به چنین وسیله‌ای در زندگی خود احتیاج دارند و در مقابل، گرایش به خرید در افراد رفته‌رفته بیشتر می‌شود.

به گفته این جامعه‌شناس، میل اندک به پس‌انداز و میل مفرط به مصرف، از خصایص اصلی نظام سرمایه‌داری و یکی از نتایج مدرن شدن جوامع است. علاوه بر این، تقلید و رقابت و چشم و هم‌چشمی که از دیرباز در جامعه ما وجود داشته در ولخرجی افراد نقش دارد. فلاح می‌گوید همه چیز این روزها در تقلید خلاصه شده و افراد در گروه‌های اجتماعی مختلف به همانند سازی با یکدیگر دست می‌زنند، غافل از این‌که خلق را تقلیدشان بر باد داد.

تا جوان هستم پول به دردم می‌خورد!

عماد بیست و دو ساله در گفت‌وگو با «جام‌جم» در خصوص این‌که آیا فرد ولخرجی است یا نه، می‌گوید که برای خودش ولخرج است اما برای دیگران نه! وی سپس تصریح می‌کند برای خودش حتی ممکن است از یک قیچی کوچک هم خوشش بیاید و دلش بخواهد آن را خریداری کند، اما اجازه نمی‌دهد دیگران از دست و دلبازی او سوءاستفاده کنند و خرجشان را به گردن او بیندازند. وی در پاسخ به این‌که چقدر در فکر پس‌انداز است، می‌گوید پولی که از پدر و مادرش می‌گیرد به او اجازه پس‌انداز نمی‌دهد.

شیمای بیست و هشت ساله به «جام‌جم» می‌گوید از چهار سال گذشته که شاغل شده، بیشتر قدر پول را می‌داند! قبل از آن اغلب به آسانی خرید می‌کرد اما این روزها بیشتر در فکر پس‌انداز است.

سمیرا اما می‌گوید تا جوان است پول به دردش می‌خورد! او که دانش‌آموخته گرافیک است، عقیده دارد پس‌انداز می‌کند اما نه به شکلی که حسرت بسیاری چیزها که دوست دارد، در روزهای جوانی بر دلش بماند.

تلاش برای رسیدن به هیچ

فلاح در خصوص عواقب مصرف‌گرایی و ولخرجی در زندگی شخصی افراد اظهار می‌کند هر گاه میل به مصرف زیاد باشد، پس‌انداز به خودی خود کم می‌شود و پس‌انداز که نباشد، افراد پشتوانه‌ای برای آینده خود ندارند. وی همچنین افسردگی را از دیگر عواقب میل به مصرف می‌داند و می‌گوید: وقتی افراد گرفتار تقلید و چشم و هم‌چشمی و رقابت یا در درجه پایین‌تر افرادی که میل ذاتی به مصرف دارند، از تامین هزینه‌های زیاد خود ناتوان هستند، احساس نارضایتی و ناکامی را تجربه کرده و در نهایت دچار افسردگی می‌شوند. در واقع میل به به دست آوردن آنچه هیچ نفع یا اهمیت خاصی در زندگی ندارد، آنها را بیمار خواهد کرد، یعنی افسردگی برای رسیدن به هیچ. بعلاوه این افراد در زندگی خانوادگی نیز اغلب با اطرافیان خود دچار مشکل هستند و گاه زن و مرد خانواده با چنین رفتاری قادر به زندگی در کنار هم نیستند.

این جامعه‌شناس در پاسخ به این‌که ولخرجی در افراد اکتسابی است یا ذاتی به «جام‌جم» می‌گوید: در جوامع مدرن امروزی اغلب ولخرجی‌ها اکتسابی است و در جهت ارضای میل شدید به مصرف و رقابت با سایر افراد شکل می‌گیرد.

فلاح می‌افزاید: این افراد با تغییر در نگرش و الگوی مصرف قادر خواهند بود که روش زندگی خود را تغییر دهند. علاوه بر آن لازم است افراد ولخرج جلوی ولخرجی‌های بیهوده خود را بگیرند و به شکل ریشه‌ای با این مشکل برخورد کنند، متوجه باشند چه مقدار پول خرج می‌کنند و از خرید آنچه به راستی به آن نیاز ندارند بگذرند، یعنی اهداف خود را برای خرید مشخص کنند. از تصمیمات ناگهانی برای خرید و پول خرج کردن‌های احساسی در اماکن خاص پرهیز کنند. آنچه به آن نیاز دارند را اولویت‌بندی کرده و هر بار هنگام خرید چیزهایی را تهیه کنند که در اولویت است. همچنین برای خود محدودیت مالی تعیین کنند، مثلاً میزان محدودی پول در یک هفته به خود بدهند تا آداب صرفه‌جویی را بخوبی یاد بگیرند و برای پول ارزش بیشتری قائل شوند.

نهادینه کردن شیوه صحیح مصرف

همه ما برای تامین مخارج زندگی پول خرج می‌کنیم. گاهی هم ممکن است برای خواسته‌ها یا تفریحاتمان ولخرجی کنیم، اما این‌که این ولخرجی‌ها تبدیل به عادات روزانه ما بشود و زندگی‌مان را تحت تاثیر خود قرار بدهند، امری دیگر است. می‌گویند آدم‌های خسیس کمتر از حدی که باید، پول خرج می‌کنند در حالی که می‌دانند برای داشتن رفاه باید بیشتر خرج کنند. ولخرج‌ها اما در قطب مخالف قرار دارند. آنها بیش از حدی که می‌دانند لازم است خرج می‌کنند و با علم به این‌که کارشان نادرست است، خواسته یا ناخواسته آن را ادامه می‌دهند. علاوه بر آن، افراد این روزها پیرو الگوهای مصرف‌گرایی هستند و کشورهای بزرگ صنعتی به منظور استفاده بیشتر از منابع طبیعی کشورهای در حال توسعه آنها را به مصرف‌گرایی ترغیب می‌کنند، زیرا خریدهای غیرضروری و مصرف‌گرایی به نفع سرمایه‌داران و تولیدکنندگان در بازار جهانی خواهد بود. از این رو آموزش مصرف بهنجار در خانواده و جلوگیری از غرق شدن در این نوع از زندگی بسیار حائز اهمیت است.

شیوه صحیح مصرف باید در ذهن کودک نهادینه شود تا تمایز میان مصرف صحیح و ولخرجی را متوجه باشد. کودک باید بداند خرید هنگام نیاز انجام می‌شود و الگوی مصرف صحیح را بشناسد و بتواند در آینده تشخیص دهد بنا به شرایط اجتماعی و اقتصادی چه نیازهایی دارد و لازم است چقدر خرید کند. لازم است افراد تمایل خود به خرید کردن یا خرید نکردن را با این شیوه‌ها در ذهن خود کنترل کنند.

فاطمه رمضانیان / جام‌جم